

ویرنه نامه سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

# بیکار

شنبه ۲۵ مرداد ۱۳۵۹ - بهاء ۱۰ ریال

## مردم ایران پشتیبان خانواده شهدای آتش سوزی سینما رکس و خواهان افشای کامل همه دست اندرکاران این جنایت هولناک می باشند

دومین سالگرد بزرگداشت خاطره شهدای سینما رکس آبادان فرا میرسد، بدون آنکه پس از گذشت بیش از یکسال ونیم از عمر جمهوری اسلامی، عاملان واقعی این فاجعه دلخراش در پینگاه مردم افشا شده و بسزای اعمال جنایتکارانه خود بیرسند. اکنون میتوان گفت که کمتر کسی است که نداند محافل معینی در درون هیئت حاکمه هستند که از افشای اسامی عاملین این جنایت وحشت دارند. درست از همین رو بوده است که از بقیه در صفحه ۲

## افشاگری بازماندگان شهدا در حضور عده ای از مردم مبارز آبادان بتاریخ ۵۹/۲/۲۷ و ۵۹/۳/۳

همانطور که در متن مصاحبه با بازماندگان شهدا ملاحظه می کنید نوار افشاگرانه بازماندگان اشاره شده است متن پیناده شده نوار افشاگریهای بازماندگان بدست ما هم رسیده که ما اینها قسمتهایی از آنرا عینا نقل می کنیم :

"بنام خدا و بیاد شهدای سینما رکس آبادان"  
"همشهریان مبارز همانطور که قبلا بر شما مردهم حسین تکبلی زاده که هم اکنون در زندان است به همراه چند نفر از دوستانش که در جریان آتش سوزی سوختند ،

بقیه در صفحه ۴

بمناسبت سالگرد فاجعه

## سینما رکس آبادان



چه کسانی از افشای  
عوامل این جنایت پیمنا کنند؟

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

## مصاحبه ای با بازماندگان شهدای سینما رکس آبادان

متنی را که ملاحظه میکنید مصاحبه ای است که هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - آبادان بتاریخ ۵۹/۴/۲۴ با بازماندگان شهدای

بقیه در صفحه ۷

بقیه از صفحه ۱ مردم ...

آغاز تحصن با زماندگان شهیدان این فاجعه، توطئه - های فراوان و متنوعی در جهت پراکندن و به شکست کشاندن این تحصن تاریخی (که نزدیک به سه ماه بطول انجامیده) بجریان افتاده است، سکوت طولانی هیئت حاکمه در مقابل این جنایت و جلوگیری از افشا و محاکمه علنی عاملین آن، اعزام دسته های چماق دار بقصد تاراندن متحصنین و سرانجام لشکرکشی سپاه پاسداران به محل تحصن و بیرون راندن آنها از یکطرف و دروغ پراکنی - های پایان ناپذیر مقامات محلی و مملکتی بقصد فریفتن افکار عمومی از طرف دیگر، از جمله این اقدامات است که برای سرپوش گذاشتن بر این جنایت تاریخی صورت گرفته است.

لکن علیرغم اینها، مبارزه خانوادگی شهدا که از پشتیبانی بی دریغ مردم آگاه آبادان و حمایت فعال نیروهای انقلابی برخوردارند، ادامه داشته و بی تردید تا حصول نتیجه قطعی ادامه خواهد داشت.

در اینجا با بررسی اجمالی آنچه که طی نزدیک به چهار ماه تحصن با زماندگان گذشته، کوشش شده است کامی در جهت کشف حقایق برداشته شود.

★ ★ ★

بازماندگان شهدای فاجعه سینما رکس، از روز جمعه ۵۹/۱/۲۹ با صدور نخستین اطلاعیه خود اعلام داشتند که بمدت ۳ شبانه روز در محل اداره دارائی آبادان دست به تحصن خواهند زد و متذکر شدند که چنانچه به خواسته های ایشان رسیدگی نشود، تحصن خود را تا رسیدن به نتیجه قطعی ادامه خواهند داد. خواسته های متحصنین عبارت بودند از:

۱ - اعزام بازپرس ویژه برای رسیدگی به پرونده فاجعه سینما رکس آبادان و تشکیل هر چه سریعتر دادگاه علنی.

۲ - اعلام خواسته های بازماندگان از رادیو و تلویزیون سراسری.

۳ - طرح خواسته های بازماندگان در حضور بازپرس ویژه و پخش آن از رادیو و تلویزیون سراسری.

بدنبال مدور این اطلاعیه و تحصن بازماندگان در محل اداره دارائی، توطئه ها و تحریکات عناصرا معلوم - الحال برای برهم زدن این تحصن عادلانه، آغاز شد. محافل معینی که خود در آتش زدن جنایتکارانه سینما رکس دست داشتند، اکنون خطر را احساس میکردند و لذا دسته های چماق دارشان را برای برهم زدن تحصن به

سرعت سا زمان داده و وارد کا زرا ر نمودند.

درست دو روز بعد از آغاز تحصن، آقای آذری قمی با زماندگان را به لقب رایج "ضدانقلاب" مفتخر نمود! اگرچه وی روز بعدنا چارشد این اتها مرا تکذیب کند، لکن اقدامات عملی وی در روزهای بعد، جبهه گیریش را در مقابل متحصنین نشان داد. ماجرا بدین ترتیب بود که روز ۵۹/۲/۱ ما مورین شهر بانی که حفاظت از محل تحصن را بعهده داشتند، بطور ناگهانی محل را ترک کردند. وقتی متحصنین علت این حرکت مشکوک را از طریق مسئولان شهر بانی پیگیری کردند، در یافتند که این کار بدستور مستقیم آقای آذری قمی صورت گرفته است تا حمله چماق داران به اجتماع بازماندگان با مانعی مواجه نشود! لکن علیرغم این توطئه ها، تحصن همچنان ادامه داشت و بازماندگان طی تلگرامهای متعددی به مسئولان مملکتی و تمامی جراید کثیرالانتشار، خواهان رسیدگی به پرونده آتش سوزی می شدند.

اینکه نه تنها طی چهارده ماه (از بهمن ۵۷ تا آخر فروردین ۵۹) از حکومت جمهوری اسلامی، هیچگونه اقدامی در جهت روشن ساختن علل این فاجعه دردناک و شناسائی عاملین جنایتکار آن صورت نم گرفت، بلکه مقامات محلی حتی سما می سان بر این بود که تحصن را بر هم بزنند، بازماندگان را به این فکر که دستهای نیرومندی در درون هیئت حاکمه مانع از افشای این جنایت است، سوق میداد.

سرانجام هیئت حاکمه پس از ۱۵ ماه سکوت و سپری شدن ۱۲ روز از تحصن بازماندگان هیئتی را با اصطلاح برای بررسی پرونده به آبادان اعزام نمود. لکن همانطور که پیش بینی میشد این هیئت نه برای روشن ساختن امر که برای سرپوش گذاشتن بر این جنایت است ما موریت داشت. هیئت با اصطلاح بررسی کار خود را در پشت درهای بسته و بدون کوچکترین تماس با خانواده شهدا بپایان رساند! این اقدام بدرستی مورد اعتراض متحصنین واقع شد. بطوریکه اطلاعیه شماره ۷ بازماندگان مورخ ۵۹/۲/۹ ترس هیئت حاکمه را از محاکمه علنی و افشای عاملین فاجعه را گوشزد نمود. در این میان دوتن از بازاریان سرشناس آبادان بنا مهای حاج خرمی و حاج ابراهیمی با انواع کوششها دست میزنند تا مانع افشاء این جنایت شوند. جبهه گیری آنها در مقابل متحصنین واقدا متشان چه در مورد آذری کردن برخی از افرادی که با آنها شرکت در آتش سوزی دستگیر شده

همچنان بی فایده و بلاتنا شرمی ماند. بازماندگان شهدا برای رسیدگی به پرونده فاجعه سینما رکس از آقای شیخ علی تهرانی میخواستند که بررسی و قضاوت در مورد این پرونده را بعهده بگیرد، ولی علیرغم موافقت آقای تهرانی، بعلمت کارشناسی دادستانی وقت (ها دوی) این امر میسر نمیشود. هیئت حاکمه همچنان تمامی کوشش خود را بکار میبرد تا مبادا عاملین اصلی این فاجعه شناخته شوند.

اکنون که دو سال از این فاجعه در دنیاک میگذرد، و چند روزی بیشتر به سالگرد این جنایت هولناک و

بودند و چه در مورد سنگ اندازی و کارشناسی در مقابل تشکیل دادگاه علنی شرکت این دو تن را در این جنایت و یا حداقل همدردیشان را با جنایتکاران بوضوح نشان داد.

تحصن، در میان جوی از توطئه، تحریک و دروغ - پراکنی هیئت حاکمه علیه بازماندگان از یکطرف و حمایت بیدریغ مردم و نیروهای انقلابی از طرف دیگر همچنان ادامه پیدا میکند. طی این مدت هیئت حاکمه میکوشد تا فاجعه سینما رکس را در وجود تنها یک فرد بنام حسین تکبلی زاده، که به همراه سه تن دیگر سینما رکس را به آتش کشیده اند (این سه تن خود نیز در آتش سوختند)

خلاصه کند، ولی بازماندگان که بخوبی دستهای نیرو- مندی را در پشت سر تکبلی زاده حس میکنند، خواهان افشا و محاکمه کلیه افرادی هستند که تکبلی زاده یکی از آنها و عامل مستقیم آتش زدن سینما بوده است. جالب اینکه شخصی اخیر خود با رها خواسته است که همه حقایق و از جمله تمامی عوامل پشت پرده این فاجعه را در یک دادگاه علنی در اختیار عموم ملت قرار دهد. لکن مسئولان مملکتی از ترس افشاشدن توطئه کران و طراحان اصلی فاجعه، نه تنها با تشکیل چنین دادگاهی بشدت مخالفند بلکه مانع از آن میشوند که حسین تکبلی زاده با هیچ فردی ملاقات نماید! سخنرانی - هایی که در مساجد یا رادیو و تلویزیون آبادان میشود سخوی بیانگر هر اس رژیم زافسای چهره جنایتکاران است. بعنوان نمونه آقای کرامی یکی از عوامل شهر در یک سخنرانی در حسینیه صفهانیه که در تاریخ ۵۹/۳/۹ ایراد کرد، آشکارا به مخالفت با تشکیل دادگاه علنی پرداخت.

بموازات استقامت و پایداری بازماندگان در تحقق خواسته های عادلانه شان، توطئه کران جنایتکار نیز به مدت حملات خود می افزایند تا شاید بزور چماق (واکرلازم شد بضر کلوله) متحصنین را به عقب نشینی و دست شستن از مقامت وادار نمایند. روزهای پنجشنبه ۲۲ و جمعه ۲۳/۳/۵۹ دسته های چماقدار "حزب الهی" بقصد سرکوب بازماندگان به محل تحصن هجوم می برند لکن عزم متحصنین را سخ ترازان بود که با یورش مشت و پا و با شش سر خود را خالی نمایند، متحصنین در اطلاعیه - های خود تلاش های مذیوحانه ضد انقلابیون را افشا کرده و خشم و نفرت مردم مبارز آبادان را از دسته های چماقدار برمی انگیزند.

تلگرافها و نامه های متعددی که از جانب بازماندگان به مراجع مختلف مملکتی ارسال میشود،



مطرح شدن مجدد آن نمانده است. هیئت حاکمه بدست و پافشاری و از یکطرف و انمود میکنند که با صلاح در حال بررسی پرونده و شناسائی عاملین فاجعه است و از طرف دیگر بر علیه متحصنین لشکر کشی میکند. در نخستین ساعت روز شنبه ۵۹/۵/۱۱ حدود ۲۰۰ نفر از پاسداران مسلح به اجتماع بازماندگان یورش برده و ببطور زخونت باری متحصنین را از محل اداره دارائی بیرون میرانند. زمینه این حمله از روز قبل در نماز جمعه توسط حجت الاسلام جمی اما جمعه آبادان فراهم شد و بوسیله اطلاعیه فرمانداری آبادان مسجل گشته بود. نکته ای که میبایست بدان توجه داشت، اینست که طبق بررسی هایی که از طرف خود بازماندگان صورت گرفته، خود این آقای جمی، اما جمعه از دست اندر کاران آتش سوزی سینما رکس بوده است و لذا تحریکات ایشان تنها میتواند دلیل دیگری بر تائید این امر باشد.

بهررو هم اکنون بعد از مدت ها تحمل سختی و فشار، تحت رذیلانه ترین توطئه چینی ها، مقاومت بازماندگان همچنان ادامه دارد و جنایتکاران نخواهند توانست چهره گریه خود را بیش از این پنهان کنند ■



بقیه از صفحه ۱ **افشاگری...**

سینما را به آتش کشیدند. ما در پشت اجرای این طرح توسط چند نفر مذکور، یک جریان را می بینیم و معتقدیم که دادگاه علنی میبایست افشا کنند. ارتباط این چند نفر با جریان پشت پرده ای که طراح آتش سوزی سینما رکس بوده است باشد. اکنون هیئت حاکمه و انمود می کنند که طراحان و مجریان این جنایت فجیع چهار نفر جوان بیگانه بودند که خود سرانهدست به این عمل زده اند. مسئولین دولتی برای خاموش کردن ما گفتند از نظر دولت دستگاه قضایی مملکت این پرونده بسته شده است و ما برای شما حسین تکبعلی زاده را اعدام می کنیم. (این گفته آقای صباغیان باز - پرس پرونده است که در تیرماه ۱۳۵۸ و در حضور جمعی از با زماندگان و آقای زرگردان استان انقلاب اسلامی آبادان در دادگستری آبادان گفته است) هم اکنون که ما با زماندگان به آخرین راه چاره رسیده ایم و حدود ۳۷ روز است که دست به تحمّن زده ایم و تصمیم داریم تا تشکیل دادگاه علنی به تحمّن خود ادا می دهیم. هم اکنون که بعد از ۳۷ روز تحمّن با زهم مسئولین مملکتی روش توطئه آمیز سکوت و بی تفاوتی را در مقابل ما پیش گرفته اند و به هیچ عنوان زیر بار خواسته های برحق ما که همانا تشکیل دادگاه علنی و محاکمه و مجازات تمامی دست اندرکاران و طراحان این فاجعه می باشد نمی روند و حاضر به افشای این فاجعه نیستند، ما خود دست به افشای مفادیری از اطلاعاتی که در رابطه با این فاجعه داریم خواهیم زد و شما مردم شریف راتا حدودی در جریان خواهیم گذاشت.

با زماندگان شهدای سینما رکس افشاگریهای خود را با استناد به نامه مکشوفه از جیب تکبعلی زاده چنین آغاز میکنند: حسین تکبعلی زاده با پیروزی انقلاب و ضمن شکسته شدن در زندانها فرا کرده و بلافاصله به اصفهان می رود و اینبار قصد ملاقات با "آیت الله طاهری" در اصفهان را داشته است. اینجا این سؤال پیش می آید که چه ارتباطی بین او بعنوان یکی از عاملین آتش سوزی و آیت الله طاهری وجود دارد؟ ما حسین موفق به دیدار طاهری نشده و از آنجا به تهران و سپس به آبادان بر میگردیم و مستعینا پیش آقای "رشیدیان" و آقای "کیاوش" می روند. ما سؤال می کنیم چه ارتباطی می تواند بین حسین تکبعلی زاده و ایندو نفر وجود داشته باشد؟ چرا این دوفرد تکبعلی - زاده را دستگیر نمی کنند و آیا لازم نبود که او را به مردم

معرفی کرده و با مردم و بخصوص با زماندگان رادر جریان می گذاشتند؟ چه دلایلی وجود داشت که این آقایان در این مدت سکوت نمایند؟ با زماندگان شهدا سپس نامه ای را که حسین تکبعلی زاده به مجله جوانان نوشته می خوانند و این نامه را در اعتراض به چاپ عکسش بعنوان عامل آتش سوزی در آن مجله نوشته است. نامه مذکور بعد از دستگیری تکبعلی زاده توسط با زماندگان از جیب او و کشف شده است. با زماندگان شهدا اظهار میدارند که تکبعلی زاده در پایان نامه اش چنین مینویسد:

"با بد در آخر با آوری کنم که من با پیروزی اولیه انقلاب اسلامی ما من قدر رفتن به فلسطین را دادم که متاسفانه با این کار جالب و ما جرایم جوینا نه شما (چاپ عکس در مجله جوانان - پیکار) می بایست مدتی انتظار بکشم."

ما سؤال میکنیم چه کسانی مقدمات رفتن تکبعلی - زاده را به فلسطین فراهم کرده اند که این چنین او از رفتن به فلسطین دم میزند. حسین بعد از پیروزی انقلاب بیدار را ما به تهران می رود اما موفق نشده و خود را به کمیته انقلاب آبادان معرفی می کند که از آنجا به تهران به حضور آقای "هاشم صباغیان" در کاخ نخست وزیری فرستاده می شود آقای صباغیان به او میگوید: "فعلا بروید تا بعد از حضارت کنم" (طبق گفته خودش). ما سؤال میکنیم: چرا آقای صباغیان عامل کشتار آتش سوزی سینما رکس را آزاد میکند؟ آیا در کاخ نخست وزیری میان ایندو چه چیزی رد و بدل شده که منجر به آزادی حسین از طرف هاشم صباغیان می گردد و صباغیان این چنین راحت شخصی را که متهم به آتش سوزی سینما رکس و شهادت بیش از ۱۰۰۰ نفر می باشد بدون اینکه ما با زماندگان و بطور کلی مردم ایران رادر جریان بگذارند آزاد میکند.

با زماندگان شهدا پس از خواندن یک تلگراف و یک نامه از تکبعلی زاده به هاشم صباغیان چنین ادا می دهند. بعد از طی این مراحل حسین تکبعلی زاده نامه ای به قم به دفتر امام خمینی می نویسد (این نامه پیش ما موجود است). قسمت هایی از این نامه را می آوریم که خود کویای حقایق سر بسته ای در مورد فاجعه سینما رکس و طراحان آن می باشد:

بسم الله قاصم الجبارین

"من حسین تکبعلی زاده یکی از فرزندان جانباز اسلام که بیگناه و طبق یک توطئه حساب شده در معرض

دستگیر کنید؟ ۲۸ ماهه صفر سال گذشته یکی از مادران با زمانده بعنوان اعتراض به مجازات نشدن عاملین فاجعه، بمنزل آقای جمی مراجعه می کند. آقای جمی در جواب این مادر که خواستار محاکمه علنی و پخش آن از تلویزیون است می گوید:

"ما این کار را نمی کنیم، حسین را بیاوریم پشت تلویزیون که چی بشود که دروغ بگوید؟"

آقای جمی چه تری از محاکمه علنی حسین تکبلی - زاده و گفته های وی دارد؟ حسین تکبلی زاده مصرا تاکید می کند در صورتی حاضر است همه حقایق را بگوید



که دادگاهش علنی و از رادیو تلویزیون سراسری پخش شود.

مادر اینجاست سندی را ارائه می دهیم که نشان - دهند فاجعه تکبلی زاده نزد عواملی در قم میسازد که آنان برای حسین سفارش می کنند.

"قم - تهران

خیابان امام خمینی گاراژ فرجام  
آقای "اسماعیل آقا" حامل نامه  
حسن آقا را به محمدتقی معرفتی  
نماید.

ما سوال میکنیم این چه جریان و اشخاصی در قم هستند که این چنین دست به حمایت از حسین تکبلی - زاده که بعنوان عامل اصلی فاجعه سینما رکس معرفی گردیده، زده اند؟

همانطور که در اطلاعیه شماره ۳ خود عنوان کرده ایم وقتی برای درخواست نوار فیلم مربوط به محاکمه

اتهام آدم سوزی سینما رکس آبادان قرار گرفته ام و عکس را هم در مجله جوانان چاپ کرده اند... و اینک که خواست پروردگار بلند مرتبه و قیامت تمام اقشار ملت طاغوت نابود شده و اسلام چهره پیروز مند و عدالت پرور خود را نشان داده است. (به این قسمت خیلی توجه کنید - بازماندگان شهدا) من که قرار بود از سوی روحانیت مبارز این ما موریت چندش آور را به عهده داشته باشم اینک با تغییر رژیم خودکامه محمد رضایی به جمهوری رهایی بخش اسلامی ساواکی معرفی شده ام ما سوال میکنیم چه کسانی حسین را ساواکی معرفی کرده اند؟ ساواک که خود اینکار را نمی کند (خود را عامل چنین جنایتی معرفی نمیکند) حسین تکبلی زاده از چه کسانی گله مند و ناراحت است که می گوید "من که قرار بود از سوی روحانیت مبارز این ما موریت چندش آور را به عهده داشته باشم اینک با... ساواکی معرفی شده ام"؟

باز سوال ما از مسئولین مملکتی شورای انقلاب رئیس جمهور و بطور کلی هیئت حاکمه اینست که آیا روحانیت مبارز که به قول تکبلی زاده ما موریت چندش آور آتش زدن سینما رکس و قتل عام بیش از ۱۰۰۰ نفر انسان بیگناه را به وی و دوستانش واگذار کرده بودند چه کسانی هستند؟ در قسمت دیگر نامه تکبلی زاده به دفتر ما آمده است:

"اینک با این وضعی که برایم پیش آمده نمیتوانم برای امرار معاش خود و خانواده ام اقدام به کار کردن کنم و نه می توانم (توجه کنید) در جلسات شمریخش روشن گرانه آیات عظام و میراداران سخنور حاضر شوم. از آن رهبر آگاه و پیدر مهربان دل سوزنقا ضا دارم که ترتیبی دهید که هر چه زود تر به کارم رسیدگی شود." در زیر نامه حسین متنی نوشته شده است که از این فرار است:

بسمه تعالی

"آقای حسن تکبلی زاده در باره مطالب فوق به خدمت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای جمی که از روحانیون مبارز و متعهد و مسئول آبادان است مراجعه کنید و مطمئن باشید در پیشگاه عدل الهی در صورت آلوده نبودن به این گناه نجات خواهید یافت."

سه شنبه ۵۹/۳/۱

دقیقا یکسال از ارسال این نامه و معرفی تکبلی زاده به آقای حجت الاسلام جمی میگذرد. آقای جمی چرا آن زمان سکوت کردید؟ لازم نبود حسین را

رفت و آمدهای زیادی داشته است. و همانطور که بارها گفته‌ایم در گذشته هیئت‌هایی که برای بررسی پرونده فاجعه‌سینما رکس به آبادان می‌آمدند توسط حاجی خرمی و "حاجی دوانی" پذیرائی می‌شدند. طبق اسنادی که در دست داریم "حاج خرمی" در هنگام قیام هم با عوامل رژیم پهلوی و هم با عوامل رژیم فعلی همکاری می‌کرده است. او عضو کمیون به اصطلاح امنیست اجتماعی در زمان رژیم منفور گذشته بوده است.

در پایان ما با زماندگان شهدای فاجعه‌سینما رکس آبادان، متحصن در اداره دارایی یکبار دیگر اعلام می‌کنیم که تا افشای کامل این جنایت و تشکیل دادگاه علنی و محاکمه علنی عاملین دست‌از‌مبارزه و پیگیری خود نخواهیم کشید. و در این راه تا آخرین قطره خون خود مبارزه خواهیم کرد. هرگونه حادثه‌ای که در جریان تحصن برای ما با زماندگان پیش بیاید به عهده هیئت حاکمه است چرا که مسلماً ندارک آن از طرف عوامل و جریانی چیده شده که در فاجعه دست داشته‌اند و خود را در خطر افشاشدن می‌بینند.

ما مردم قهرمان آبادان و ایران را به پشتیبانی از خواسته‌های بحق خود دعوت می‌نمائیم. افشا و مجازات عاملین این فاجعه بزرگ در رابطه با سرنوشت تمام ملت ایران می‌باشد زیرا زمانی که این چنین جانیانی آزادانه می‌کردند و حتی عهده‌دار مسئولیتهایی در ارکانهای مملکتی می‌باشند. ملت ما نمی‌تواند نگران سرنوشت خود و میهن عزیز نباشد.

افشا و مجازات این عاملین در خط مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهنمان است. چرا که اینانند که تکیه‌گاه و پویا یکاها داخلی امپریالیسم آمریکا در ایران می‌باشند و آمریکای جهان‌خوار به کمک این عوامل و عواملی نظیر اینهاست که دست به توطئه‌هایی بخاطر منافع خود و بر علیه مردم عزیز میهن ما می‌زنند.

ما خواهان افشاء و مجازات تمامی دست‌اندرکاران و طراحان فاجعه بزرگ سینما رکس آبادان در هر پست و لباسی می‌باشیم.

جاوید با دخا طره شهدای سینما رکس آبادان

و

تمامی شهدای به‌خون خفه‌حلق

با زماندگان شهدای فاجعه‌سینما رکس آبادان متحصن در اداره دارایی

"رزمی جلاد" و "کریمی" که در زمان شاه بعد از فاجعه انجام گرفته بود به رادیو تلویزیون مراجعه کردیم مسئولین جواب دادند که نوار در آرشیو موجود نیست و آقای قطب زاده آنرا به تهران برده است.

سوال می‌کنیم آقای قطب زاده چرا به این عمل دست زده است او چه ترسی از افشای این فاجعه دارد؟ قطب زاده انگیزه‌اش از بردن نوارها به شیوه دزدانه چه بوده است؟

مردم آبادان بیاد دارند که در زمان فاجعه عنوان شده بود که آتش سوزی سینما کارگروهی است که در فلسطین فعالیت دارند حال با توجه به ارتباط نزدیک حسین تکبعلی زاده با هاشم صباغیان و همچنین بردن نوار فیلم مربوط به مصاحبه بعد از فاجعه توسط قطب زاده (که دلیلش ترس وی از افشای این فاجعه می‌باشد) و با در نظر گرفتن اینکه صباغیان و قطب زاده در ارتباط با سازمان امل بوده‌اند و عملکرد سازمان امل در رابطه با مبارزات مردم فلسطین نه تنها در خدمت آرمانهای مردم ستمدیده و آواره فلسطین نبوده بلکه با عملکردهای مشکوک خود ضرباتی به مبارزات مردم فلسطین وارد نموده و با شیوه‌های توطئه آمیز و ناسا جوانمردانه عملاً در خدمت امپریالیسم آمریکا بوده است آیا می‌توان سوال کرد: نقش سازمان امل در رابطه با فاجعه سینما رکس چه می‌باشد؟

ما طی تحقیقاتمان در رابطه با فاجعه سینما رکس به اسامی اشخاص بسیاری که در رابطه با سازمان امل بوده‌اند برخورد کرده‌ایم که از ذکر نام این افراد تا تحقیقات کافی خودداری می‌کنیم. هیئت حاکمه باید جواب دهد سازمان امل بخصوص در خوزستان دارای چه نوع فعالیت‌هایی بوده است و چه اشخاصی در رابطه با این سازمان فرار گرفته‌اند؟

"فرج‌برزگار" یکی از عاملین فاجعه که سوخته است در بازار جمشید آباد مغازه رادیوسازی داشته. درست یک هفته بعد از فاجعه سینما رکس بازار جمشید آباد را آتش می‌زنند و به گفته شاهدان عینی آتش سوزی درست از محوطه مغازه فرج‌برزگار شروع می‌شود؟ آیا احتمال این نیست که این آتش سوزی به قصد از بین بردن مغازه فرج بوده تا اگر اسنادی در مغازه مخفی شده و بیابانکار ارتباطی می‌باشد، نابود گردد؟ ضمناً شایع است به گفته شاهدان عینی آقای "حاج خرمی" قبل از فاجعه سینما در بازار جمشید آباد



بقیه از صفحه ۱

فاجعه سینما رکس انجام داده اند :

با تسلیم از طرف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در آبادان

برای روشنتر شدن اذهان عمومی و پی بردن به عمق فاجعه دردناک سینما رکس و همچنین اقدامات ، برخورد ها و اتفاقاتی که طی مدت تحمّن برای تان اتفاق افتاده و مدارک و اسنادی که کشف کرده و در اختیار دارید از سخن گوی با زماندگان شهدای فاجعه سینما رکس ، متحمّن در اداره دارایی (خواهش میکنیم) در این رابطه به چند سؤال جواب بدهند :

س - از تحمّن شما چند روز میگذرد ؟

ج - ۸۸ روز

س - طی این مدت در رابطه با فاجعه ، شما چه مدارکی را کشف و ارائه کرده اید ؟

ج - (مدارک و شواهدی) را که در این رابطه بدست آورده ایم طی افشاگریهایی که داشتیم از همین محل به اطلاع جمع کثیری از مردم که جهت شنیدن افشاگریها اجتماع می کردند ، رسانده ایم ، فکرمی کنیم مردم نوار آنرا داشته باشند .

س - عکس العمل مسئولین در آبادان در رابطه با مدارک مطروحه چه بود ؟

ج - تنها سکوت و توطئه .

س - برخورد هیئت حاکمه فعلی در رابطه با فاجعه تا کنون چه بوده است ؟

ج - بی تفاوتی و سکوت .

س - به نظر شما چرا هیئت حاکمه بعد از ۱۶ ماه که از قیام خونین خلقهای میهن مان میگذرد و بخصوص بعد از قریب ۳ ماه از تحمّن شما گامی در جهت افشای پرونده برنداشته است ؟

ج - دقیقا باید به این خاطر باشد که عناصری در هیئت حاکمه هستند که دست شان به این جنایت آلوده است .

س - سپاهی ها و تبلیغات زهر آگینی از طریق ارگان های محلی دولتی درباره تحمّن شما به عمل آمده است به نظر شما چرا هیئت حاکمه که خود را به توده ها

بظا هر ضدا مپریالیست معرفی می کند از افشای پرونده هراس دارد ، مگر افشای عاملین فاجعه گامی در جهت

افشای امپریالیسم نیست و مگر نه اینکه عاملین اصلی خود عمال آمریکا هستند ؟

ج - دقیقا همین طور است چنانکه همیشه گفتیم حرکت ما جدا از مبارزه ضدا مپریالیستی نیست و نمی تواند

باشد و هیئت حاکمه از این وحشت دارد .

س - آیا ارگانهای محلی مسئول علاوه بر عدم افشای پرونده ، اقدامات دیگری در جهت تضعیف تحمّن شما

نموده اند و اگر چنین است به چه طریق ؟

ج - آنها کوشیده اند مردم را علیه ما تحریک کنند و با در اختیار داشتن تمام وسایل ارتباط جمعی سعی

کرده اند بر چسب های از قبیل : " اینها با زماننده نیستند " ، " اینها ساواکی هستند " ، " اینها از رژیم

گذشته هستند " و غیره ، به ما بزنند و تا آنجا که توانشان بوده می خواسته اند این تحمّن را وابسته به گروهها و

سازمانهای سیاسی ، حتی وابسته به رژیم گذشته جلوه دهند .

س - چند روز پیش دکتر بهشتی در محاسبه تلویزیونی



گفتند که تا یک هفته دیگر به پرونده سینما رکس رسیدگی می شود آیا از زمان آن محاسبه تا کنون گامی در جهت

افشای پرونده برداشته شده ؟

ج - در این ۱۷ ماه از این قول و وعده ها زیاد داده اند تنها بهشتی نبوده ، امثال بهشتی ها مرتب قول میدادند ، ولی عمل هیچ .

س - در طی این ۳ ماه که شما متحمّن هستید آیا از طرف مردم آبادان از خواسته های شما اعلام پشتیبانی شده

اگر شده به چه طریق ؟

ج - پشتیبانی شده ، اما آنطور که انتظار می رفت نه ، پشتیبانی فقط در حرف و صحبت ، ما از مردم عمل می

خواهیم ، می خواهیم که از دولت بخواهند که اقدام کند مثلا با زاریها با تعطیل مغازه ها و آنها که کار میکنند

از دولت بخواهند که به خواسته های با زماندگان



رسیدگی شود و بگویند و بگویند، برای حمایت از ما دست به کارهایی می زنند، بطور نمونه به یک اعتماد هشت ساعته دست بزنند و...

س - با توجه به گفته های شما هیئت حاکمه تا کنون نشان داده که نه می تواند دونه می خواهد به خواسته های انقلابی توده ها و مشخصا خواسته شما که افشای پرونده می باشد، جواب دهد با توجه به این مسئله اقدام نهایی شما در این رابطه چه می تواند باشد؟

ج - ما تا جواب قطعی نگیریم یعنی فاجعه افشا نشود به تحصن خود ادامه می دهیم و انتظار ما این است که توده ها به ما بپیوندند و خواسته هایمان را از دولت بخوانند، همانطور که در رژیم گذشته می گفتند: "فاجعه سینما رکس افشا با بدگردد". الان هم این شعار را دوباره تکرار کنند، طی این ۱۷ ماهی که از عمر جمهوری اسلامی میگذرد بیشترین بهانه های که هیئت حاکمه در رابطه با پرونده عنوان کرده است نبودن با زیرساخت آنها مرتبا گفته اند با زیرساخت نداریم، ما این اواخر ماهی به استناد عالی تهرانی نوشتیم، ایشان اعلام کردند که "حاضر رسیدگی به پرونده را عهده دار شوم و از طرف امام در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۵۸ نیز منصب قضاوت شرعی در تمام شهرستانهای استان خوزستان به من داده شده است". ما نامه ای به ما موارگانهای مملکتی نوشتیم ولی متاسفانه رئیس جمهور تا کنون جواب نداده، دومین تلگراف را هم فرستادیم با زهر رئیس جمهور و ارگانهای مسئول سکوت کرده اند تا سی تلفنی با استاد تهرانی گرفتیم ایشان گفتند که "من طبق معمول آماده هستم و فقط منتظر حکمی هستم که امام یا آقای بنی صدر به من بدهند آماده هستم تا هر لحظه که مرا بخواهند به آبادان بیایم و رسیدگی به پرونده را شروع کنم". اینکارها را ما انجام دادیم ولی تا کنون هیچیک نه امام و نه آقای رئیس جمهور حکمی به علی تهرانی نداده اند و آقای تهرانی منتظر است که حکم را تحویل بگیرد تا به پرونده رسیدگی نماید.

بعد از مصاحبه با سخنگوی بازماندگان، تعدادی از بازماندگان متحصن در اداره داری نیز گفتگویی انجام شد که در زیر می آید:

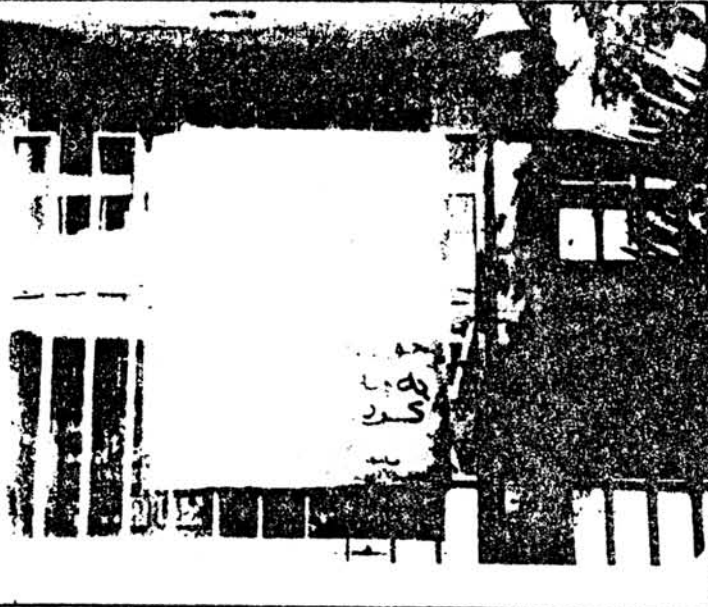
س - پدر ضمن عرض تسلیت، شما چند نفر از خانواده تان را از دست داده اید؟

ج - بسم الله الرحمن الرحیم، بنام خدا و به یاد شهدای

سینما رکس آبادان. من پدری داغ دیده ام، جوان ۲۱ ساله ام را از دست داده ام. ما از دولت، از مسئولین مملکت، از امام و رئیس جمهور با رها خواسته ایم که به کارهای ما رسیدگی کنند ۸۸ روز است که متحصن هستیم خواسته های ما اینست که هیئت ویژه با زیرسی برای رسیدگی به پرونده سینما رکس بیاید و دادگاه علنی تشکیل دهند و دست اندرکاران این فاجعه را دستگیر کنند. خواسته های ما همین است.

س - آیا هیئت حاکمه منظور دولت و شورای انقلاب تا کسوت قدمی در جهت خواسته های شما برداشته و اگر بر داشته به چه طریق واگردد داشته چرا؟

ج - قدمی که برداشته هیچ بر علیه ما تحریک هم میشود، هر روز شعار میدهند که شما بازمانده نیستید و



یا که شما فلان و یا بهمان هستید.

س - این تبلیغات از طرف چه کسانی انجام میشود؟

ج - از طرف یک گروه خصوصی.

یکی دیگر از افراد متحصن میگوید:

بنام خدا و به یاد شهدای فاجعه سینما رکس آبادان من یک مادر داغ دیده هستم و تا از فرزندان و عروس مرا از دست داده ام، الان دو سال است که قیام کرده ایم، هرکاری که فکرمی کردیم درست است بچه هایمان انجام داده اند، دوندگی زیاد کردیم، پیش ما مرفتیم خودم شخصاً دست اما مرا بوسیدم به او گفتم: "اما من از تو هیچی نمی خواهم فقط قاتل بچه هایمان را دستگیر کن مثل اینست که تمام دنیا را به ما داده ای" اما مقبول دادولی الان ۳۰ ماه است تحصن کرده ایم، هر بر چسبی





نمیرویم تحن مان رانمی شکنیم تا قاتلین بچه‌ها -  
 یمان را پیدا کنند من مادر هستم. بجای همه مادران  
 داغ دیده صحبت میکنم. ما بیشتر از ۱۰۰۰ نفر از دست  
 داده ایم، اینها سوخته اند اینها جزغاله شده اند. چرا  
 دولت به حال ما رسیدگی نمی کند. اگر ریگی در کفش  
 ندار باید رسیدگی کند ما اینجا می نشینیم تا دولت  
 جواب ما را بدهد، از اینجا بیرون نمی رویم.

ب - مادر به نظر شما دولت بعد از ۱۶ ماه که از قیام  
 میگذرد و بعد از ۳ ماه از تحن شما آیادی می تواند بده  
 خواست انقلابی شما جواب دهد؟

ج - خیر، ما به همه جانلکراف کردیم، به بنی صدر به



ساری از احساد بطوری سوخته است که قسمت بیشتر اندامها از سر رفته، بطرف صحنه سالان گورستان اسدان را پوشانده بود

آقا، خودمان شخصا پیش آقا رفسیم. خودم دوبار دست آقا را  
 بوسیدم ۲۵۰ نفر بودیم تولد حضرت رضا بود. همه ما دست  
 آقا را بوسیدیم، گفتیم ما قاتلین بچه‌ها یمان را می-  
 خواهیم گفت خوب بروید تا سه مرتبه گفتیم، گفت بروید  
 که رسیدگی می کنیم. به قدوسی می گویم که به پرونده  
 - تان رسیدگی کند. تا حالا که نکرده اند، ما تا الان  
 چقدر تلکراف زده ایم، به دولت به شورای انقلاب، به  
 همه جا، جواب ما را نداده اند.

باز مانده دیگری گفت: روی سخنم با همشهریان  
 عزیزم می باشد. آیا از خودتان سؤال کرده اید بعد از  
 ۱۷ ماه که از پیروزی انقلاب و ۸۸ روز از تحن ما می-  
 گذرد چه راحت شما را تحریک می کنند حتی در هشتاد و  
 چهارمین روز تحن عده ای از پدران و مادران را رو-

به ما زده اند. مگر ما از این دولت چه می خواهیم، مگر  
 خواسته ما چه است. ما مادران، پدران، خواهران  
 خواستهای نداریم جز دستگیری قاتلان. آخربرای چه  
 مگر ما چه گناهی کرده ایم که هر تهمتتی به ما میزنند، به  
 حال ما رسیدگی نمی کنند فقط قول میدهند. از این  
 قولها زیاد داده اند، مثلاً می گویند تا ۱۰ روز دیگر  
 درست می شود، پرونده سینما افشا می شود، پس کی دیگه  
 افشا می شود.

ب - به نظر شما چرا افشا نمی کنند؟  
 ج - من چه می دانم. لابد دست خودشان داخل آن است.  
 الان چند ماه است ما رفته ایم پیش ما من از نوهیچی  
 اما مرا گرفتیم بوسیدم گفتیم ما من از نوهیچی  
 نمی خواهم جز قاتل بچه‌ها مون آخربرای چه به ما  
 برچسب می زنند، مگر چیزی از کسی خواستیم چیزی از  
 دولت خواستیم که غیر قانونی است اگر غیر قانونی  
 است بگویند ما را مجازات کنند.

یکی از مادران شهدا ضمن اینکه به سخنی قادر  
 بود جلوی گریه اش را بگیرد چنین گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم به یاد شهدای سینما  
 رکس، من یک پیرزن، سید، ۷۵ سال از عمر مرفته یک  
 پسر داشتم از دست رفت. جوانی که ۲۲ ساله بود و صبح  
 فردای فاجعه از او کمرا زنییم کیلو ذغال بدستم آمد.  
 غیر از قاتل بچه‌ها مدیگر هیچی نمی خواهم. قاتل بچه-  
 ما اینجا باید ما کمه شود در دادگاه علنی محاکمه شود.  
 مادر دیگری گفت:

من نمی گویم در این مدت سه ماهه آمدند دستک -  
 با رانمان کرده اند یا نکردند اینها بماند همه می -  
 فهمند که چه کرده اند، اما ما قاتلین بچه‌ها یمان را می  
 - خواهیم تا ندهند از اینجا رد نمی شویم. ایمن  
 خواسته ما است.

یکی دیگر از متحنین:  
 بسم الله الرحمن الرحيم به یاد شهدای سینما  
 رکس، من یک مادر داغ دیده هستم. بچه‌ها مرا ۱۰ سال به  
 یتیمی بزرگ کردم. سه ماه است در اینجا متحن هستیم  
 چرا به حال ما رسیدگی نمی کنند به همه جا رسیدگی  
 کردند مسجد کرمان، میدان ژاله، فاجعه هواپیما آنها  
 نحنم کردند به خواسته‌شان جواب دادند، چرا به ما  
 نمی رسند مگر ما کافر هستیم، چرا آقا در پارسی می گفت  
 سینما رکس ما در انقلاب است. اما حالا فراموش شده؟  
 ما تا به خواسته‌ها یمان نرسیم زاده‌ها را بی بیرون

که ۲۴ ساله بود. اول از خدا دوم از ملت می خواهم که خواسته های ما را برآورده کنند. ۳۰ ماه روزگار راست نشسته ام اینجا یک قدم بیرون نرفته ام بجز دو دفعه که رفتم سرفیر شهیدان همه جمع شده بودیم عده ای میگفتند "شما شهیدند ارید"، "شهیدهای شما شهید نیستند"، "شهیدهای شما کمونیست هستند" این حرفها را به ما می زنند.

درست نمی دانم در چه تاریخی بود که به ما حمله کردند. همه دویدیم وسط خیابان پاهای همگی میان ناول زد جوانها همه پاهایشان تاول زد. پاهایشان را دوا زدند. تمام عکسها و پوسترها را با چاقو پاره کردند من هیچکس را ندانم جز این عزیزم که سوخته و خود هم ندیدمش.

ضمن عرض تسلیت مجدد به همه شما از طرف هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر آبادان از همه شما تشکر می کنیم که این اجازه را به ما دادید که چند دقیقه ای پای صحبت شما بنشینیم تا بتوانیم بهتر خواسته های شما را که خواسته های همه مردم مبارز آبادان است به گوش هموطنان برسانیم.

من امیدوارم که مردم مبارز آبادان در راه اهداف و خواسته های انقلابی شما به کمکتان بشتابند و شما را یاری دهند و این اطمینان را بنام می دهم که سازمان ما کام به کام در راه تحقق اهداف شما و کلید زحمتکشان و ستمدیدگان خلق قدم بردارد. خلی مسکرم

به روی دارایی آورده بودند می گفتند: تحصن تحصن کارمنافقین است "چرا نمی پرسند دولت بعد از ۸۴ روز چرا جواب اینها را نداده. این سؤال برایتان پیش نیامده که چرا هر مسئول یا مقامی به آبادان می آید فقط قول میدهد. ۱۷۰ ماه تمام به ما قول دادند کمی فکر کنید ۸۸ روز از تحصن و ۱۷ ماه از عمر جمهوری - اسلامی می گذرد. چرا دولت سکوت کرده، چرا فقط قول میدهد ولی عمل هیچ. از پیش از ۱۰۰۰ شهید تنها چند ذغال شده ۲۰۰۰ تنای آنها بدست آمد. به ما می گویند: "شما آمریکایی هستید"، "تحصن دارایی توطئه است آمریکا". ما داریم آمریکا را افشای کنیم پس چطور می شود تحصن دارایی توطئه آمریکا باشد. چطور ممکن است ما وابسته به رژیم گذشته باشیم" استغراغ رژیم گذشته "باشیم (عبارتی است که آذری قمی هنگامی که با عده ای برای بهم زدن تحصن ما آمده بود گفته است) و رژیم گذشته سینما رکس را به آتش کشیده باشد. ما می گوئیم جنایت سینما رکس کار هرکس هست باید افشا شود. مگر قبل از قیام همه نمیگفتند فاجعه سینما اسبابا بد کرده. چرا بعد از پیروزی کرد فراموشی روی آن پاشیدند ما به تحصن خود تا برپایی یک دادگاه علنی توسط باز پرس ویژه ادامه خواهیم داد.

مادری گفت: بسم الله الرحمن الرحیم. سلام خدا خواسته های ما این است که فانیس این عزیزها را بگیرند و به دستمان بدهند. آرزو من یک بجاه م بود

